

بررسی نمودهای احساس در رفتار غیرکلامی در قرآن کریم

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا^۱

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

سارا مشعل

کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

چکیده

یکی از اهداف نشانه‌شناسی، مطالعه پیام‌ها و نشانه‌هایی است که از طریق بدن تولید می‌شوند. «ارتباط غیرکلامی» نمود هر گونه پیام یا واقعه ارتباطی بدون استفاده از کلمات است و شامل تمامی جنبه‌های ارتباط می‌شود. قدرت قرآن در به تصویر کشیدن حالات بدن و چهره‌بندگان فوق‌العاده است. در این مقاله، سعی بر آن است تا آیات حاوی رفتارهای غیرکلامی در قرآن بررسی شوند و بر اساس تقسیم‌بندی اکمن و فریزن (۱۹۶۹) و مبتنی بر احساسی که باعث بروز رفتار غیرکلامی در آن‌ها شده، دسته‌بندی گردند. در این مقاله تنها نمودهای احساس بررسی شده‌اند. این نمودها تحت عنوان‌های شادی، تعجب، ترس، ناراحتی، عصبانیت و دیگر احساسات، تقسیم‌بندی شده و با توجه به رمزگذاری، منشأ و کاربرد ارائه شده‌اند. در قرآن نمونه‌ای از نمود احساس علاقه و نفرت یافت نشد. در بررسی آیات با ۳۲ مورد از رفتارهای غیرکلامی با نمودهای احساس مواجه شدیم. رمزگذاری تمام این موارد از نوع ذاتی بوده‌اند. اکثر رفتارهای غیرکلامی منشأ طبیعی داشتند. کاربرد ۲۲ مورد از آن‌ها در ارتباط با کلام از نوع «جایگزین»، ۸ مورد «تکمیل» و ۲ مورد «تکرار» بود. در آیات بررسی شده، چشم‌ها بیشترین نقش را در نمود احساسات بر عهده داشتند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، ارتباط غیرکلامی، نشانه‌شناسی، رمزگذاری، زبان بدن.

^۱ E-mail: akord@modares.ac.ir

خداوند در آخرین کتاب آسمانی‌اش، قرآن، که بر قلب رسول اکرم، حضرت محمد (ص)، نازل فرمود به بیان راهکارهای زندگی بشر پرداخت و از باب نمونه برای ما انسان‌ها رفتار و سخنان عده‌ای از بندگان را روایت کرد تا عبرت و یا سرمشقی برای ما باشند. در هنگام خواندن قرآن کریم ما با سخنان الهی مواجه هستیم و می‌بینیم که چگونه بهتر از هر راوی و نویسنده‌ای زندگی گذشتگان و آیندگان را بازگو می‌کند. قدرت فوق‌العاده قرآن در به تصویر کشیدن حالات بدن و چهره گناهکاران و همچنین بندگان مؤمن و درستکار آنچنان جالب توجه است که نگارنده را بر آن داشت که به بررسی رفتارهای غیرکلامی انتقال پیام از فردی به فرد دیگر در قرآن پردازد. ارتباط لزوماً از جنس کلامی نیست، بلکه می‌توان گفت که بخشی از آن وابسته به کلام است.

پیز^۱ (۱۹۸۴: ۱)، به نقل از مهرابیان) بیان می‌دارد که ۷ درصد تأثیر پیام کلامی^۲ است، ۳۸ درصد صوتی^۳ و ۵۵ درصد غیرکلامی^۴. آنچه در رمزگشایی زبان بدن باید بدان توجه داشت آن است که در بافت موقعیتی مورد استفاده تفسیر شود؛ به عنوان نمونه، گریه کردن می‌تواند ناشی از ناراحتی باشد یا خوشحالی. در واقع گریه کردن برای بروز احساسات بسیار عمیق استفاده می‌شود و تعیین نوع احساس فقط با توجه به بافت امکان‌پذیر است.

در این مقاله سعی بر آن است تا آیه‌هایی از قرآن که در آن‌ها رفتارهای غیرکلامی مشاهده می‌شود بررسی شوند و با استفاده از علم نشانه‌شناسی و بر اساس احساسی که باعث بروز رفتار غیرکلامی شده دسته‌بندی شوند؛ احساساتی همچون ترس، ناراحتی، خوشحالی و غرور. در این مقاله کنش‌ها و رفتارهای غیرکلامی با تکیه بر نظریه اکمن^۵ و فریزن^۶ (۱۹۶۹) درباره منشأ، رمزگذاری و کاربرد رفتارها در آیات قرآن مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. با توجه به نکات مورد اشاره، پرسش این تحقیق این است که رفتارهای غیرکلامی موجود در قرآن در چارچوب نظریه اکمن و فریزن چگونه تحلیل می‌شوند؟

¹ Pease

² Verbal

³ Vocal

⁴ Nonverbal

⁵ Ekman

⁶ Friesen

۲. پیشینه پژوهش

مقاله «رمزگشایی از رفتارهای غیرکلامی در داستان روی ماه خداوند را ببوس» نوشته رضی و حاجتی جولندان (۱۳۸۹) می‌باشد. در این مقاله رفتارهای غیرکلامی بازتاب‌یافته در این داستان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از نشانه‌های غیرکلامی رمزگشایی شده است. این مقاله بر اساس نظریه اکمن و فریزن (۱۹۶۹) در طبقه‌بندی و تحلیل رفتارها در دو حوزه رمزگذاری و کاربردی انجام گرفته است. نتیجه بررسی‌های این مقاله نشان می‌دهد که ارتباطات غیرکلامی بیشتر نقش مکمل ارتباطات کلامی را در پیشبرد روایت این داستان ایفا کرده و در شخصیت‌پردازی نیز سهم به‌سزایی داشته و موجب افزایش ظرفیت نمایشی داستان شده است.

حاجتی جولندان (۱۳۹۱) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان ارتباطات غیرکلامی در آثار داستانی مصطفی مستور به نگارش درآورده است. این تحقیق که از نوع کتابخانه‌ای بوده، به بررسی و تحلیل ارتباطات غیرکلامی و یافتن نشانه‌ها در داستان‌های مصطفی مستور پرداخته است. هوشمند در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان گرایشی آموزشی به بررسی مقابله‌ای حرکات غیرزبانی فارسی و انگلیسی به اهمیت ارتباطات غیرکلامی در آموزش زبان‌های خارجی می‌پردازد. وی ۶۸ حرکت و اشاره در زبان انگلیسی را با فارسی مقایسه نموده و وجوه تشابه و افتراق را در آن‌ها شناسایی کرده است. او بر روی حرکات در زبان فارسی کار میدانی انجام داده و در نهایت آن را با زبان انگلیسی مقایسه نموده است.

توکلی (۱۳۷۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، نشانه‌شناسی و ارتباط غیرزبانی، به بحث و بررسی ارتباطات غیرکلامی در قالب حرکات اندامی، حالات رخساری، و فاصله افراد از هم می‌پردازد. این پژوهش به شیوه میدانی انجام گرفته است.

عرار (۲۰۰۵) در مقاله خود تحت عنوان «زبان بدن در قرآن: بررسی اجمالی با نمونه‌های منتخب»^۱ به شناسایی برخی از جنبه‌های زبان بدن در قرآن می‌پردازد و معنای آن‌ها را بررسی می‌نماید. نمونه‌های مورد بحث شامل حرکت سر، چشم، دست، صورت و طرز راه رفتن است. این مطالعه به ارزیابی زبان بدن از لحاظ موقعیت‌های فیزیکی و معنای آن‌ها می‌پردازد.

جمیل عبدالغنی ربیعة (۲۰۱۰) در پایان‌نامه خود با عنوان زبان بدن در قرآن کریم^۲ به بررسی

¹ Body-Language in the Qur'an: An Overview with Selected Examples

² Body Language in the Holy Quran

زبان بدن در قرآن می‌پردازد و تحلیل خود را با شواهدی از متن قرآن همراه می‌کند. ایده اولیه این پژوهش این است که ارتباطات انسانی در مرز گفتار متوقف نمی‌شود، بلکه شامل حرکات اندام‌های بدن مانند چهره، چشم‌ها و دست‌ها نیز می‌شود. نویسنده در این پژوهش از روش استقرا برای مطالعه تفسیر آیات مربوط به زبان بدن استفاده کرده است.

۳. چارچوب نظری

زبان‌شناسی علم مطالعه زبان و نظام ارتباطی انسان است و نشانه‌شناسی علم مطالعه نشانه‌ها و علائم در زبان و غیرزبان. از نظر سیبوک^۱ (۲۰۰۱) موضوع اصلی نشانه‌شناسی تبادل هر نوع پیام به منظور برقراری ارتباط است.

مطالعه پیام‌ها و نشانه‌هایی که به وسیله بدن تولید می‌شوند یکی از اهداف نشانه‌شناسی است. نمود هر گونه پیام یا واقعه ارتباطی بدون استفاده از کلمات، ارتباط غیرکلامی^۲ محسوب می‌شود که شامل تمامی جنبه‌های ارتباط است. ارتباط غیرکلامی نه تنها شامل ژست‌ها^۳ و حرکات بدن می‌شود، بلکه نحوه تولید و ادای کلمات را نیز در بر می‌گیرد؛ همچون آهنگ ادای کلمات، وقفه‌ها، و بلندی صدا (وود^۴، ۱۳۷۹: ۲۸۴؛ بولتون^۵، ۱۳۴۸: ۱۲۸). ارتباط غیرکلامی یک حوزه میان‌رشته‌ای است و نمودهای آن بر اساس عملکرد اعضای بدن به عنوان دال^۶ تعیین می‌شوند. انواع ارتباطات غیرکلامی را می‌توان به شش دسته تقسیم کرد: (۱ ژست؛ ۲) زبان بدن^۷؛ (۳) فاصله فیزیکی^۸؛ (۴) حالات صورت^۹؛ (۵) ارتباط چشمی^{۱۰}؛ و «قالب زبانی»^{۱۱}.

بدن تنها شرایط بیولوژیکی را نشان نمی‌دهد بلکه منشأ اصلی نشانه‌هاست. انسان می‌تواند از بدن، صورت، دست‌ها و دیگر اعضای پیکرش و همچنین کنش‌های غیرکلامی برای نشان دادن

¹ Sebeok

² Non-verbal Communication

³ Gesture

⁴ Wood

⁵ Bolton

⁶ Signifier

⁷ Body Language

⁸ Physical Distance

⁹ Facial Expression

¹⁰ Eye Contact

¹¹ Paralanguage

احساسات، هیجانات، ویژگی‌های شخصیتی همچون مهربانی و عبوس بودن و نیز ماهیت روابط بینافردی استفاده کند.

اکمن و فریزن (۱۹۶۹) از جمله دانشمندانی هستند که رفتارهای غیرکلامی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. رفتار غیرکلامی یک پدیده واحد با یک کاربرد، یک منشأ و یک نوع رمزگذاری نیست. از طرف دیگر، رفتار بدن و صورت انواع متفاوتی دارد که می‌توان آن‌ها را در قالب پنج گروه متمایز از هم توصیف کرد که وابسته به کاربرد، منشأ و رمزگذاری هستند. آن‌ها بر اساس نوشته‌های افرون^۱ (۱۹۶۸) رفتارهای غیرکلامی را نیز به پنج دسته تقسیم کردند: (۱) نشانه‌های تصویری^۲؛ (۲) مصورهاها^۳؛ (۳) تعدیل‌کننده‌ها^۴؛ (۴) نمودهای احساس^۵؛ (۵) انطباق‌دهنده‌ها یا تنظیم‌کننده‌ها^۶.

در این مقاله تنها به بررسی یک دسته از رفتارهای غیرکلامی یعنی نمودهای احساسی پرداخته می‌شود. تامکینز^۷ (۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۶۴) «صورت» را مکان اولیه نمودهای احساس می‌داند. البته برخی از حرکات صورت مثل تکان خوردن لب‌ها جزء دسته‌بندی تنظیم‌کننده‌ها هستند. در زمان‌های گذشته، هنرمندان، شاعران، نقاشان و بازیگران، پیش از آنکه دانشمندان به بررسی «زبان صورت» بپردازند، متوجه عامل بالقوه نشانه‌شناختی حالات صورت شده بودند. صورت ابزار نمایش دائمی نشانه‌ها در انسان است (نوس^۸، ۱۹۹۵: ۴۰۲). چهره می‌تواند نشانه‌های زیادی را به وسیله حالات مختلف نشان دهد. اکمن و دیگران حالات خاصی از صورت را به عنوان نشانه‌های جهانی برای احساسات معرفی کرده‌اند (دانسی^۹، ۲۰۰۴).

علاوه بر صورت، برخی از حرکات بدن نیز جزء نمودهای احساس هستند؛ مانند لرزیدن یا تعجب کردن. اما معمولاً حرکات بدن در پاسخ به احساسات به وجود می‌آیند و نتیجه احساس هستند نه خود احساس. داروین^{۱۰} (۱۸۷۲) نخستین مطالعه علمی در خصوص ارتباطات غیرکلامی

¹ Efron

² Emblems

³ Illustrators

⁴ Regulators

⁵ Affect Displays

⁶ Adaptors

⁷ Tomkins

⁸ Nöth

⁹ Danesi

¹⁰ Darwin

را انجام داد (به نقل از پیز و پیز، ۲۰۰۴: ۹). داروین اظهار می‌دارد که تمامی پستانداران هیجانانگیز و احساساتشان را در صورت خود نشان می‌دهند. دانشمندان این حوزه حرکات مشخصی از ماهیچه‌های صورت را برای هر یک از وضعیت‌های ابتدایی احساس مشخص کردند که در بشر همگانی هستند (اکمن، ۲۰۰۴: ۴۵). آن دسته از احساساتی که در تمام کارهای آنان مشترک است به هفت دسته تقسیم می‌شود: (۱) شادی؛ (۲) تعجب؛ (۳) ترس؛ (۴) ناراحتی؛ (۵) عصبانیت؛ (۶) علاقه؛ (۷) نفرت (اکمن و فریزن، ۱۹۶۹).

همان‌طور که گفته شد یکی از بخش‌های تحلیل کنش‌های غیرکلامی اکمن و فریزن (۱۹۶۹) مربوط به رمزگذاری می‌شود. «رمزگذاری» به سه دسته تقسیم می‌شود که رابطه کنش با معنی آن را بیان می‌دارند: (۱) قراردادی^۱؛ (۲) شمایی^۲؛ (۳) ذاتی^۳. کنشی که از نوع قراردادی است به لحاظ دیداری هیچ شباهتی به آنچه که به آن دلالت می‌کند ندارد؛ مثل تکان دادن دست به هنگام سلام یا خداحافظی. کنش‌های شمایی به کنش‌هایی گفته می‌شود که در ظاهر آن‌ها نشانه‌ای برای رمزگشایی و رسیدن به معنا وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر، آن نشانه یا کنش به معنای خود شباهت دارد مثل حرکت رد کردن انگشت اشاره از بیخ گلو که به معنی بریدن گلوست (مثلاً برای تهدید کردن). آخرین دسته کنش‌های ذاتی اند که معنای آن‌ها خود کنش است، مثل هل دادن؛ این حرکت نمونه‌ای از پرخاشگری تلقی می‌شود.

عبارت «منشأ» به این مطلب می‌پردازد که سرچشمه و منشأ رفتار غیرکلامی شخص کجاست. منشأ رفتارهای غیرکلامی را می‌توان طبیعی یا تجربی دانست. آن دسته از رفتارهای غیرکلامی که در دستگاه اعصاب بشر نهادینه شده باشند، مثل گریه کردن، منشأ طبیعی دارند. منشأ دیگر رفتارهای غیرکلامی تجربه است که با توجه به فرهنگ، طبقه اجتماعی، خانواده و یا خود فرد متفاوت می‌شود. این گونه رفتارها به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه آموخته می‌شوند.

یکی از موارد «کاربرد» رفتارهای غیرکلامی که اکمن و فریزن در دسته‌بندی خود قرار داده‌اند رابطه کلام با رفتار غیرکلامی است. این نوع رابطه را می‌توان به پنج حالت دسته‌بندی نمود: یک حالت آن جایگزینی رفتار غیرکلامی با کلام است. در سه حالت دیگر آن، رفتار غیرکلامی با کلام

¹ Arbitrary

² Iconic

³ Intrinsic

همراه می‌شود و درصدد تکرار، تکمیل^۱ یا نقض کلام برمی‌آید؛ و در آخرین حالت، رفتار غیرکلامی هرچند با کلام همراه است اما ربطی به کلام ندارد.

در این مقاله، با در نظر داشتن انواع ویژگی‌های رمزگذاری، منشأ و کاربرد، نمودهای احساس از آیات قرآن کریم استخراج شده و مورد بررسی قرار می‌گیرند. در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارند که شامل زبان بدن هستند اما نگارنده تنها درصدد یافتن و تحلیل آن دسته از آیاتی بوده که به نمودهای احساس مربوط می‌شوند.

۴. تحلیل داده‌ها

از جست‌وجو در آیات قرآنی می‌توان به رفتارهای غیرکلامی در قالب نمودهای احساس دست یافت. این نمودها را می‌توان در عنوان‌های (۱) شادی؛ (۲) تعجب؛ (۳) ترس؛ (۴) ناراحتی؛ (۵) عصبانیت؛ و (۶) دیگر احساسات، تقسیم‌بندی نمود. این نمودها با توجه به رمزگذاری، منشأ و کاربرد به صورت جدول شماره (۱) خلاصه شده است.

جدول (۱): رمزگذاری، منشأ و کاربرد

الف) رمزگذاری			ب) منشأ		ج) کاربرد (در ارتباط با کلام)				
قراردادی	شمایلی	ذاتی	طبیعی	تجربی	جایگزینی	تکرار	تکمیل	نقض	بی‌ربط

جدول (۱)، در بخش الف) انواع سه‌گانه کنش‌های رمزگذاری شده را نشان می‌دهد، در قسمت ب) منشأ رفتارهای غیرکلامی، و در قسمت ج) انواع کاربرد این نوع رفتارها. اکنون به بررسی مواردی از این نمودها در قرآن کریم می‌پردازیم.

۴-۱. نمود شادی

نمود شادی در قسمت پایین صورت یعنی لب‌ها و در ناحیه چشم به وضوح دیده می‌شود (اکمن، فریزن و تامکینز، ۱۹۷۱). لبخند، شادی و رضایتمندی را منتقل می‌کند (کالرو^۲، ۲۰۰۵: ۲۹۴).

^۱ Augment

^۲ Calero

نشانه‌های شادی زیاد شامل جنبش بدون هدف (مثل رقصیدن و دست‌زدن)، خنده با صدای بلند و گاهی نیز همراه با گریه است (داروین، ۱۸۷۲: ۱۷۵، ۱۹۵). نمونه‌ای از این نوع شادی در سوره مائده، آیه ۸۳، آمده؛ سخنانی که حاکی از دلیل اشک ریختن است. این رفتار غیرکلامی در ارتباط با کلام و از نوع «تکمیل» است. در آیه‌های ۳۸ و ۳۹ سوره عبس و همچنین آیه ۲۲ سوره قیامت، چهره‌هایی گشاده، خندان، مسرور و شاداب توصیف شده‌اند. این ویژگی‌ها در اصل نشانه‌های شادی و خوشحالی‌اند که در چهره ظهور یافته‌اند. در پی این نشانه‌ها یا همراه با آن‌ها هیچ سخنی بیان نشده، بنابراین می‌توان گفت که «جایگزین» کلام شده‌اند.

- مائده، آیه ۸۳: وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ [و هر زمان آیتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشم‌های آن‌ها را می‌بینی که (از شوق) اشک می‌ریزد، بخاطر حقیقتی که دریافته‌اند؛ آن‌ها می‌گویند: «پروردگارا! ایمان آوردیم؛ پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس.]
- عبس، آیه‌های ۳۸ و ۳۹: وَجْوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸) ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹) [چهره‌هایی در آن روز گشاده و نورانی است، خندان و مسرور است.].
- قیامت، آیه ۲۲: وَجْوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ [آری] در آن روز صورت‌هایی شاداب و مسرور است.].

جدول (۲): رمزگذاری، منشأ و کاربرد نمود شادی

سوره و آیه	رفتار غیر کلامی	رمزگذاری	منشأ	کاربرد (در ارتباط با کلام)
مائده، ۸۳	اشک ریختن	ذاتی	طبیعی	تکمیل
عبس، ۳۸ و ۳۹	چهره‌های گشاده، خندان و شاد	ذاتی	طبیعی	جایگزین
قیامت، ۲۲	صورت‌هایی شاداب و مسرور	ذاتی	طبیعی	جایگزین

۲-۴. نمود تعجب

هنگامی که برای انسان اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ می‌دهد، تعجب می‌کند. تعجب حالت احساسی مثبت یا منفی است که ممکن است از اتفاق خوشحال‌کننده یا ناراحت‌کننده به وجود آید؛ در هر دو

صورت نشانه‌های تعجب می‌توانند یکسان باشند. در این حالت ابروها افراشته، چشم‌ها باز و گشاد، و دهان باز می‌شود و دست‌ها نیز به سرعت به سمت پوشاندن صورت حرکت می‌کنند یا به هوا می‌رود (فورد^۱، ۲۰۱۰: ۱۰۴).

در سوره ابراهیم، آیه ۹، تعجب و ناباوری کافران به تصویر کشیده شده؛ یعنی علاوه بر بیان گفت‌وگو، حالات افراد نیز بیان شده است. در این آیه، گذاشتن دست بر روی دهان هم بیانگر تعجب کافران است و هم نشان‌دهنده عدم تمایل آنان به شنیدن سخنان پیامبرانشان. حرکت دست به سمت دهان به معنای آن است که شنونده اعتقادی به سخنان گوینده ندارد (پیز، ۱۹۸۴: ۴۸). همچنین همین حرکت برای گوینده به معنای دروغ گفتن است. فرد به طور ناخودآگاه به هنگام دروغ گفتن یا بیان مطلبی که بدان شک و تردید دارد، دستش را به سمت دهانش می‌برد. نام این حرکت حافظ دهان است. حافظ دهان یکی از معدود حرکات بزرگسالان است که به اندازه حرکات کودکان واضح است. دست دهان را می‌پوشاند و شصت لپ‌ها را فشار می‌دهد درحالی‌که مغز به صورت ناخودآگاه دستور می‌دهد که فرد از بیان کلمات دروغین خودداری کند (پیز، ۱۹۸۴: ۴۸). آنچه که می‌توان از این آیه دریافت این است که کافران به سخنان پیامبرشان اعتقاد نداشتند و یا به گفته خود تردید داشتند.

نمونه دیگر آیه ۲۹ سوره زاریات است که به تعجب و خوشحالی همسر حضرت ابراهیم (ع) به هنگام شنیدن خبر بچه‌دار شدنشان اشاره دارد. واکنش وی پس از شنیدن این خبر با زدن بر صورت خود نمایان می‌گردد. به این نوع ابراز تعجب حرکت کف دست-صورت^۲ گفته می‌شود که عبارت است از قرار دادن دست بر صورت برای نشان دادن خجالت‌زدگی، اذیت‌شدن و یا تعجب کردن از چیزی (تعریف برخط، فرهنگ لغت مک‌میلان^۳، ۲۰۱۳). در اینجا چون همسر حضرت ابراهیم (ع) به دلیل سالخورده‌گی به هیچ وجه انتظار بارداری نداشت، از شنیدن این خبر متعجب و غافلگیر گردیده و واکنش روحی خود را به شکل زدن کف دست بر صورت نشان داده است. وی با بیان دلیل تعجب خود این رفتار غیرکلامی را «تکمیل» نموده است.

• ابراهیم، آیه ۹: أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أُنُوفَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا

¹ Ford

² Face-palm

³ Macmillan

أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ [آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسید؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و آن‌ها که پس از ایشان بودند؛ همان‌ها که جز خداوند از آنان آگاه نیست؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، ولی آن‌ها (از روی تعجب و ناباوری) دست بر دهان گرفتند و گفتند: «ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید، کافریم! و نسبت به آنچه ما را به سوی آن می‌خوانید، شک و تردید داریم!»]

- ذاریات، آیه ۲۹: فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صِرَّةٍ فَاصْبَتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ [در این هنگام همسرش جلو آمد درحالی که (از خوشحالی و تعجب) فریاد می‌کشید به صورت خود زد و گفت: «آیا پسری خواهم آورد درحالی که (پیرزنی نازا هستم؟)»]

جدول (۳): رمزگذاری، منشأ و کاربرد نمود تعجب

سوره و آیه	رفتار غیرکلامی	رمزگذاری	منشأ	کاربرد (در ارتباط با کلام)
ابراهیم، ۹	دست بر دهان گذاشتن	ذاتی	تجربی	تکرار
ذاریات، ۲۹	زدن بر صورت	ذاتی	تجربی	تکمیل

۳-۴. نمود ترس

در حالت ترس ابروها افراشته و به سوی هم کشیده می‌شوند، پلک بالا افراشته می‌شود به گونه‌ای که سفیدی چشم مشاهده می‌شود و پلک پایین نیز سفت و کشیده می‌شود (کناپ^۱ و هال^۲، ۲۰۱۰: ۳۴۱)؛ یعنی نگاه‌ها می‌ایستند و خیره می‌شوند. در سوره احزاب، آیه ۱۰، وضع بحرانی جنگ احزاب، قدرت و عظمت دشمنان و نگرانی شدید بسیاری از مسلمانان ترسیم شده است. تصویری که در این آیه از مسلمانان ترسیم شده است خیره شدن چشمانشان از وحشت است. در سوره محمد (ص)، آیه ۲۰، از خیره شدن نگاه منافقان از ترس به هنگام نزول سوره‌ای که امر به جنگ و جهاد می‌کند، سخن می‌گوید. منافقان بیمار دل همچون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته با نگاهی مات و مبهوت به پیامبر می‌نگرند. در این دو آیه چون سخنی نقل نشده، رفتار غیرکلامی «جایگزین» کلام شده است. در سوره انبیاء، آیه ۹۷، تصویر کافران در روز رستاخیز به تصویر کشیده شده؛ تصویری که

¹ Knapp

² Hall

می‌گوید چشمانشان از وحشت از حرکت ایستاده است. کافران از غفلت خود که عاملی برای شرایط کنونی آنان است سخن می‌گویند و ابراز ندامت می‌کنند پس این سخنان رفتار غیرکلامی آنان را «تکمیل» می‌کند.

به هنگام ترس، علاوه بر اینکه انسان به منبع خطر توجه دارد، سعی می‌کند از آن بگریزد و جهت حرکت او مخالف منبع ترس خواهد بود. ترس شدید «دید تونلی» ایجاد می‌کند؛ یعنی ترس تا حد زیادی میزان دید، افکار و انتخاب‌های انسان را کاهش می‌دهد (ایزارد^۱، ۱۹۹۱: ۲۹۹). از این رو فرد قدرت تدبیر و اراده خود را از دست می‌دهد و اگر فرمانی از بیرون به او داده شود، همان را انجام می‌دهد. آیه‌های ۴۲ و ۴۳ سوره ابراهیم از پلک زدن و خیره شدن چشم ستمکاران در روز حساب سخن می‌گوید. آن‌ها از ترس به آسمان نگاه می‌کنند و بی‌اراده به بالا می‌نگرند و چشم‌هایشان از وحشت از حرکت باز ایستاده است. بنابراین می‌توان آن را نشانه ترس شدید دانست. از آنجایی که هیچ سخن یا کلامی با این چهره‌های وحشت‌زده همراه نشده است، کاربرد این رفتار غیرکلامی از نوع «جایگزین» است.

تامکینز (۱۹۶۳) ترس را سمی‌ترین احساس شناخته است، بدین معنا که شخص می‌تواند از ترس جان دهد (ایزارد، ۱۹۹۱: ۲۹۹). در سوره احزاب، آیه ۱۹، و سوره قیامت، آیه ۷، به چرخش چشم از ترس اشاره شده است. آیه ۱۹ سوره احزاب منافقان را در صحنه نبرد به تصویر می‌کشد. «همین که آتش جنگ شعله‌ور شد، ایشان (منافقان) را می‌بینی که از ترس به تو نگاه می‌کنند، اما نگاهی بدون اراده. چشمانشان در حدقه کنترل ندارد و مانند چشمان شخص محتضر در حدقه می‌گردد...» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۳۱). این ترس شدید قدرت تدبیر و گفتار را از آنان می‌گیرد به طوری که حتی برای کنترل گردش چشم خود نیز قدرت ندارند. در هنگام ترس بسیار شدید، قدرت تفکر از آدمی سلب می‌شود و از این‌رو زبان نیز به لکنت می‌افتد یا به لال‌بودن نزدیک می‌شود. در اغلب آیه‌هایی که شامل ترس شدید است گفتار به حداقل رسیده است. کاربرد این رفتار غیرزبانی از نوع «جایگزین» است. آیه ۷ سوره قیامت از چرخش چشم انسان‌ها از وحشت روز قیامت سخن می‌گوید. آن روز انسان می‌گوید: «راه فرار کجاست؟». او با این عبارت کوتاه به «تکمیل» رفتار غیرکلامی خود می‌پردازد و در صدد نجات خود از معرکه ترس و وحشت برمی‌آید.

^۱ Izard

در مواقعی که انسان می‌ترسد و احساس ناامنی می‌کند، سعی می‌کند از نگاه به منبع ترس خودداری کند و سرش را به زیر بیاورد. در آیه ۷ سوره قمر، کافران به هنگام خیزش از قبرها از شدت وحشت سرشان به زیر افتاده است. نسبت «خشوع» به «چشم‌ها» به این دلیل است که صحنه آنقدر هولناک است که کافران تاب تماشای آن را ندارند، لذا چشم از آن برمی‌گیرند و به زیر می‌اندازند. سپس می‌افزاید: «... از شدت وحشت به سوی فرشتگان دعوت‌کننده گردن می‌کشند». «مهطعین» از ماده «اهطاع» به معنی گردن‌کشیدن است و بعضی آن را به معنی خیره نگاه کردن یا به سوی چیزی به سرعت دویدن تفسیر کرده‌اند. هر یک از این معانی در تفسیر آیه محتمل است، هر چند معنی اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد زیرا وقتی انسان صدای وحشتناکی را می‌شنود فوراً گردن می‌کشد و متوجه مبدأ صدا می‌شود؛ البته مانعی ندارد که همه این‌ها با هم در مفهوم آیه جمع باشند. به این ترتیب آن‌ها با شنیدن صدای دعوت‌کننده الهی به سوی او گردن می‌کشند، سپس خیره نگاه می‌کنند و بعد با سرعت به سوی او می‌روند و در دادگاه الهی حاضر می‌شوند. اینجاست که از حوادث سخت آن روز وحشت سرپای آن‌ها را فرا می‌گیرد، لذا در دنباله آیه کافران می‌گویند: «امروز روز سخت و دردناکی است» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴). این سخن دلیلی بر وحشت آن‌هاست. بنابراین رفتار غیرکلامی با جمله فوق «تکمیل» شده است. در سوره شوری، آیه ۴۵، آمده است که گناهکاران به هنگام ورود به جهنم، از ترس، زیرچشمی به آتش می‌نگرند. این نگاه هم از ترس و هم از خشوع است و «جایگزین» کلام شده است. در سوره بقره، آیه ۱۹، منبع ترس صدای رعد و برق ذکر گردیده که کافران به هنگام شنیدن آن انگشت در گوش خود می‌کنند. آنان برای جلوگیری از شنیدن صدای صاعقه که باعث ترس و وحشت آن‌ها شده، چنین رفتاری را از خود بروز می‌دهند که به دلیل همراه نبودن با کلام، کاربرد آن از نوع «جایگزین» است.

- احزاب، آیه ۱۰: إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا [به خاطر بیاورید] زمانی را که آن‌ها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده و جان‌ها به لب رسیده بود و گمان‌های گوناگون بدی به خدا می‌بردید.]
- محمد، آیه ۲۰: وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُنظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَٰئِ

لَهُمْ [کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود (که در آن فرمان جهاد باشد)؟!»] اما هنگامی که سوره واضح و روشنی نازل می‌گردد که در آن سخنی از جنگ است، منافقان بیمار دل را می‌بینی که همچون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه می‌کنند؛ پس مرگ و نابودی برای آنان سزاوارتر است!]

- انبیاء، آیه ۹۷: **وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ** [و وعده حق (قیامت) نزدیک می‌شود؛ در آن هنگام چشم‌های کافران از وحشت از حرکت باز می‌ماند؛ (می‌گویند): ای وای بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم؛ بلکه ما ستمکار بودیم!]

- ابراهیم، آیه‌های ۴۲ و ۴۳: **وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ (۴۲) مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْنِدُتْهُمْ هَوَاءً [گردن‌ها را کشیده، سرها را به آسمان بلند کرده، حتی پلک چشم‌هایشان از حرکت باز می‌ماند؛ (زیرا به هر طرف نگاه کنند، آثار عذاب آشکار است!)] و (در این حال) دل‌هایشان (فرومی‌ریزد؛ و از اندیشه و امید) خالی می‌گردد!]**

- احزاب، آیه ۱۹: **أَشْحَهَّ عَلَيْكُمْ ۖ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۖ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالْأَسِنَّةِ حِدَادٍ أَشْحَهَّ عَلَى الْخَيْرِ أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ ۗ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا [آن‌ها در همه چیز نسبت به شما بخیلند؛ و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می‌بینی آنچنان به تو نگاه می‌کنند، و چشم‌هایشان در حلقه می‌چرخد، که گویی می‌خواهند قالب تهی کنند! اما وقتی حالت خوف و ترس فرو نشست، زبان‌های تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما می‌گشایند (و سهم خود را از غنایم مطالبه می‌کنند!)] درحالی‌که در آن نیز حریص و بخیلند؛ آن‌ها (هرگز) ایمان نیاورده‌اند، از این‌رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد؛ و این کار بر خدا آسان است.]**

- قیامت، آیه ۷: **فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (۷) وَخَسَفَ الْقَمَرُ (۸) وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (۹) يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُ (۱۰) [بگو:)] در آن هنگام که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شود، (۷) و ماه بی‌نور گردد، (۸) و خورشید و ماه یک جا جمع شوند، (۹) آن روز انسان**

می‌گوید: «راه فرار کجاست؟» (۱۰)

• قمر، آیه ۷: **حُسْعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ** (۷) **مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ** [آنان در حالی که چشم‌هایشان از شدت وحشت به زیر افتاده، همچون ملخ‌های پراکنده از قبرها خارج می‌شوند، (۷) در حالی که (بر اثر وحشت و اضطراب) بسوی این دعوت‌کننده گردن می‌کشند؛ کافران می‌گویند: «امروز روز سخت و دردناکی است»]

• شوری، آیه ۴۵: **وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفِ خَفِيِّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْحَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ** [و آن‌ها را می‌بینی که بر آتش عرضه می‌شوند در حالی که از شدت مذلت خاشعند و زیرچشمی (به آن) نگاه می‌کنند؛ و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «زیانکاران واقعی آناند که خود و خانواده خویش را روز قیامت از دست داده‌اند؛ آگاه باشید که ظالمان (آن روز) در عذاب دائمند»].

• بقره، آیه ۱۹: **أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ** [یا همچون بارانی از آسمان، که در شب تاریک همراه با رعد و برق و صاعقه (بر سر رهگذران) بیارد. آن‌ها از ترس مرگ انگشتانشان را در گوش‌های خود می‌گذارند تا صدای صاعقه را نشنوند. و خداوند به کافران احاطه دارد (و در قبضه قدرت او هستند)].

جدول (۴): رمزگذاری، منشأ و کاربرد نمود ترس

سوره و آیه	رفتار غیرکلامی	رمزگذاری	منشأ	کاربرد (در ارتباط با کلام)
احزاب، ۱۰	خیره شدن چشم‌ها	ذاتی	طبیعی	جایگزین
محمد، ۲۰	خیره شدن چشم‌ها به پیامبر	ذاتی	طبیعی	جایگزین
انبیاء، ۹۷	از حرکت ایستادن چشم	ذاتی	طبیعی	تکمیل
ابراهیم، ۴۲ و ۴۳	نگاه به آسمان و پلک نزدن	ذاتی	طبیعی	جایگزین
احزاب، ۱۹	چشم در حلقه چرخیدن	ذاتی	طبیعی	جایگزین
قیامت، ۷	به گردش در آمدن چشم	ذاتی	طبیعی	تکمیل

قمر، ۷	به زیر انداختن نگاه	ذاتی	طبیعی	تکمیل
شوری، ۴۵	نگاه زیر چشمی	ذاتی	طبیعی	جایگزین
بقره، ۱۹	انگشت در گوش گذاشتن	ذاتی	طبیعی	جایگزین

۴-۴. نمود ناراحتی

به هنگام ناراحتی چهره در هم می‌شود، پلک‌ها پایین می‌آید در حالی که گوشه‌های داخلی ابرو افراشته می‌شوند. در غم و اندوه شدید نیز ابروها به سمت هم کشیده می‌شوند، گوشه‌های لب‌ها پایین کشیده می‌شوند و لب پایین ممکن است جمع شود. در سوره اسراء، آیه ۷، سخن از آشکار شدن آثار ناراحتی در چهره ظالمان است. همان‌گونه که بیان شد، آثار ناراحتی در چهره به وضعیت ابروها و لب‌ها باز می‌گردد. در سوره قیامت، آیه ۲۴، زمانی که اهل جهنم نشانه‌های عذاب را می‌بینند و نامه‌های اعمال خویش را خالی از حسنات و مملو از سیئات مشاهده می‌کنند، بسیار پریشان، ناراحت و اندوهگین می‌شوند و چهره در هم می‌کشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). در سوره ملک، آیه ۲۷، هنگامی که کافران وعده الهی و عذاب را از نزدیک مشاهده می‌کنند، صورتشان زشت و سیاه می‌شود، به گونه‌ای که آثار غم و اندوه از آن می‌بارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). در این سه آیه به دلیل همراه نبودن کلام با آثار غم در چهره، کاربرد رفتار غیرکلامی از نوع «جایگزین» است.

آیه ۹۲ سوره توبه از بکائون سخن می‌گوید. هفت نفر از فقراى انصار خدمت پیامبر (ص) رسیدند و تقاضا کردند وسیله‌ای برای شرکت در جهاد در اختیارشان گذارده شود، اما چون پیامبر (ص) وسیله‌ای در اختیار نداشتند، جواب منفی به آن‌ها دادند. آن‌ها با چشم‌هایی پر از اشک از خدمت آن حضرت خارج شدند و بعداً به نام «بکائون» مشهور گشتند. اشک ریختن نشانه ناراحتی شدید است. ابراز ناراحتی آنان بدون کلام است، بنابراین کاربرد رفتار غیرکلامی از نوع «جایگزین» است.

حضرت یعقوب، آنگونه که در آیه ۸۴ سوره یوسف بیان شده، در اندوه دوری از یوسف دیدگان خود را از دست داد. پس ناگزیر از فرزندانش روی بگردانید، خشم خود را فروخورد و به آنان معترض نشد. وی با بیان «ای افسوس بر یوسف!» به عامل ناراحتی‌اش، یعنی از دست دادن فرزند، اشاره کرد و به این ترتیب به «تکمیل» رفتار غیرکلامی خود پرداخت.

- اسراء، آیه ۷: **إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا** [اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛ و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید. و هنگامی که وعده دوم فرا رسد، (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در صورت‌هایتان ظاهر می‌شود؛ و داخل مسجد (الاقصی) می‌شوند همان‌گونه که بار اول وارد شدند؛ و آنچه را زیر سلطه خود می‌گیرند، در هم می‌کوبند.]
- قیامت، آیه ۲۴: **وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ** [و در آن روز صورت‌هایی عبوس و در هم کشیده است.]
- ملک، آیه ۲۷: **فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ** [هنگامی که آن (وعده الهی) را از نزدیک می‌بینند، صورت کافران زشت و سیاه می‌گردد، و به آن‌ها گفته می‌شود: «این همان چیزی است که تقاضای آن را داشتید.»]
- توبه، آیه ۹۲: **وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ** [و (نیز) ایرادی نیست بر آن‌ها که وقتی نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبی (برای جهاد) سوار کنی، گفتی: «مرکبی که شما را بر آن سوار کنم، ندارم!» (از نزد تو) بازگشتند درحالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود؛ زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند (و با آن به میدان بروند).]
- یوسف، آیه ۸۴: **وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَوسُفَ وَإِضْيَٰتُ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ** [و از آن‌ها روی برگرداند و گفت: «وا اسفا بر یوسف!» و چشمان او از اندوه سفید شد، اما خشم خود را فرو می‌برد (و هرگز کفران نمی‌کرد!)]

جدول (۵): رمزگذاری، منشأ و کاربرد نمود ناراحتی

سوره و آیه	رفتار غیرکلامی	رمزگذاری	منشأ	کاربرد (در ارتباط با کلام)
اسراء، ۷	غم و اندوه در صورت	ذاتی	طبیعی	جایگزین
قیامت، ۲۴	صورت درهم‌کشیده	ذاتی	طبیعی	جایگزین
ملک، ۲۷	سیاه شدن چهره	ذاتی	طبیعی	جایگزین
توبه، ۹۲	اشک ریختن	ذاتی	طبیعی	جایگزین

۴-۵. نمود عصبانیت

در سوره آل عمران، آیه ۱۱۹، از خشم و عصبانیت یهودیان سخن گفته می‌شود. هنگامی که یهودیان به خلوت می‌روند، سر انگشت خود را از شدت خشمی که بر مسلمانان دارند می‌گزینند. گاز گرفتن انگشتان از خشم را می‌توان از درجات بالای عصبانیت دانست. وقتی کسی عصبانی می‌شود، این احتمال وجود دارد که چهره‌اش برافروخته شود زیرا خشم باعث گردش سریع‌تر خون می‌شود. در سوره نحل، آیه ۵۸، و سوره زخرف، آیه ۱۷، از مشرکانی سخن گفته می‌شود که به هنگام شنیدن خبر دختردار شدن، از غضب و عصبانیت رنگ چهره‌یشان تیره می‌شود. هیچ یک از این آیات با کلامی همراه نشده پس نشانه عصبانیت آن‌ها «جایگزین» کلام شده است. در آیه ۷۲ سوره حج آمده است که نشان انکار و نپذیرفتن کلام وحی در چهره کفار ظهور می‌یابد. واژه «منکر» مصدر میمی به معنای انکار است و مراد از «شناختن انکار در روی کفار» شناختن اثر انکار و کراهت است. واژه «یسطون» از ریشه «سطوت» است که - بنا بر آنچه که در مجمع‌البیان آمده - به معنای اظهار حالتی خشمگین و وحشت‌آور است. «سطا علیه، یسطو، سطوة و سطاوة» یعنی خشم گرفت بر او، و «والانسان مسطو علیه» یعنی انسان مورد خشم قرار گرفت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۷۷). چون خشم در چهره کفار با سخنی همراه نشده، بنابراین کاربردش از نوع «جایگزین» است.

- آل عمران، آیه ۱۱۹: هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَصَوْا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ [شما کسانی هستید که آن‌ها را دوست می‌دارید؛ اما آن‌ها شما را دوست ندارند! درحالی که شما به همه کتاب‌های آسمانی ایمان دارید (و آن‌ها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، (به دروغ) می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم!» اما هنگامی که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می‌گزینند! بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است.»]
- نحل، آیه ۵۸: وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ [درحالی که هر گاه به یکی از آن‌ها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش سیاه می‌شود؛ و به شدت

خشمگین می‌گردد...]

- زخرف، آیه ۱۷: وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا صَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ [درحالی که هر گاه یکی از آن‌ها را به همان چیزی که برای خداوند رحمان شبیه قرار داده (به تولد دختر) بشارت دهند، صورتش سیاه می‌شود و خشمگین می‌گردد!]
- حج، آیه ۷۲: وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتُلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِّنْ ذَلِكَمُ النَّارُ وَعَذَابُ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ [و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، در چهره کافران آثار انکار مشاهده می‌کنی، آنچنان که نزدیک است برخیزند و با مشت به کسانی که آیات ما را بر آن‌ها می‌خوانند حمله کنند! بگو: «آیا شما را به بدتر از این خبر دهم؟ همان آتش سوزنده (دوزخ) که خدا به کافران وعده داده؛ و بد سرانجمی است!]

جدول (۶): رمزگذاری، منشأ و کاربرد نمود عصبانیت

سوره و آیه	رفتار غیرکلامی	رمزگذاری	منشأ	کاربرد (در ارتباط با کلام)
آل عمران، ۱۱۹	گاز گرفتن سر انگشت	ذاتی	تجربی	جایگزین
نحل، ۵۸	سیاه شدن چهره	ذاتی	طبیعی	جایگزین
زخرف، ۱۷	سیاه شدن چهره	ذاتی	طبیعی	جایگزین
حج، ۷۲	خشمگینی در چهره	ذاتی	طبیعی	جایگزین

۴-۶. نمود احساسات دیگر

در این بخش نشانه‌های احساسات و هیجاناتی بررسی می‌شوند که جزء احساسات اصلی نیستند ولی در قرآن مشاهده شده‌اند. در ابتدا به تحلیل آیات پرداخته شده و سپس آیه مورد نظر به همراه معنا آمده و در نهایت اطلاعات مربوط به هر آیه در جدولی ذکر گردیده است.

در سوره فرقان، آیه ۲۷، از حسرت ستمکاران و مشرکان در روز قیامت گفته شده که آنچنان از کرده خود پشیمان‌اند که دست خود را می‌زنند. پشیمانی زیاد به شکل احساس حسرت بروز می‌یابد. آنان با بیان علت حسرت خود رفتار غیرکلامی خود را «تکمیل» کرده‌اند. همچنین آیه ۴۲ سوره کهف از مرد باغبانی سخن می‌گوید که برای خدا شریک قائل شده بود. او پس از نازل شدن عذاب و نابود

شدن باغش متوجه اشتباه خود می‌شود و از روی حسرت دست خود را بر دست می‌کوبد و آن را زیر و رو می‌کند.

پایین انداختن سر و به زیر نگاه کردن نشانه‌ی خواری است. آیه ۴۳ سوره قلم از مکذبان می‌گوید که در دنیا که سالم بودند خدا را سجده نکردند و دعوت انبیاء را نپذیرفتند، پس در قیامت نیز قادر به سجده نخواهند بود و چشم‌هایشان از خواری به زیر می‌افتد و ذلت سراپای آن‌ها را فرا می‌گیرد. چون در این میان سخنی بیان نشده، پس کاربرد رفتار غیرکلامی از نوع «جایگزین» است. در سوره غاشیه، آیه ۲، به طور کلی از چهره‌ی خوار و ذلیل عده‌ای از مردم در روز قیامت سخن گفته شده است.

در سوره توبه، آیه ۱۲۷، از نگرانی منافقان گفته شده است. منافقان که در جمع مؤمنان و پیامبر هستند، به هنگام نازل شدن آیه‌ای از قرآن به یکدیگر می‌نگرند. نوع نگاه کردن آنان مانند فرد مضطربی است که از اینکه اسرارش فاش شده نگران است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۶۰). منافقان از یکدیگر می‌پرسند که آیا کسی متوجه آنان هست یا نه؛ تا بتوانند از جمع خارج شوند. این گفتار در حقیقت دلیل نگرانی آنان است که بدین وسیله به «تکمیل» رفتار غیرکلامی خود پرداخته‌اند.

در آیه ۱۰۸ سوره طه از خضوع افراد در روز قیامت سخن گفته شده است. همه صداهای به احترام خدای رحمان خاشع می‌شوند، ارتفاع صداها پایین می‌آید و همه با حالت خشوع سخن می‌گویند. در آن روز صداها به جهت غرق شدن در مذلت و خواری در برابر عظمت خدای متعال آنچنان آهسته می‌شوند که هیچ شنونده‌ای جز صدایی خفیف نمی‌شنود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). چون کلام با صدای آهسته همراه است کاربرد آن از نوع تکرار است.

آیه ۳۷ سوره اسراء و آیه ۱۸ سوره لقمان به احساس تکبر اشاره دارد. غرور و تکبر را می‌توان از نحوه راه رفتن، حالت چهره و نوع نگاه فرد تشخیص داد. افراد متکبر، به هنگام راه رفتن، سر خود را بالا نگه می‌دارند. کسی که بیش از حد تکبر داشته باشد یعنی برای دیگران ارزش قائل نیست و دیگران را هیچ می‌انگارد. در این دو آیه، از راه رفتن با غرور و تکبر نهی شده است. در سوره اسراء، پس از نهی از راه رفتن متکبرانه، گفته شده است که این ژست و قیافه‌ای که به منظور اظهار قدرت، نیرو و عظمت به خود می‌گیری وهمی بیش نیست، زیرا اگر دستخوش وهم نبودی می‌دید که از تو بزرگ‌تر نیرومندتر نیز وجود دارد (المیزان، ۱۳۷۴: ۱۳۲). همچنین در سوره لقمان، آیه ۱۸، لقمان از پسرش می‌خواهد که نسبت به مردم چنین حسی نورزد و از آن‌ها روی برنگرداند.

آلپورت^۱ (۱۹۷۹) تعصب را به عنوان یک «احساس، مطلوب یا نامطلوب، نسبت به یک شخص یا چیزی، که بر اساس تجربه واقعی نیست» تعریف می‌کند. آیه ۷ سوره نوح وضعیت کفار به هنگام دعوت شدن به حق را بیان می‌کند. آنان انگشت در گوش‌های خود گذاشتند تا صدای حق را نشنوند و لباس بر خود بپچاندند تا پشتوانه‌ای برای انگشتان فرو کرده در گوششان باشد. آنان می‌خواستند صورت خود را بپوشانند که مبادا چشمانشان بر چهره ملکوتی نوح بیفتد؛ در واقع اصرار داشتند هم گوش از شنیدن باز ماند و هم چشم از دیدن! این آیه نشان می‌دهد که یکی از عوامل مهم بدبختی آن‌ها تکبر و غرور بود، زیرا خود را بالاتر از آن می‌دیدند که در برابر انسانی مانند خود، هر چند نماینده خدا باشد، سر تسلیم فرود آورند. کبر و غرور همیشه یکی از موانع مهم راه حق است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

- فرقان، آیه ۲۷: وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (۲۷) يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا [و (به خاطر آور) روزی را که ستمکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: «ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! (۲۷) ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم!]
- کهف، آیه ۴۲: وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا [و (به هر حال عذاب الهی فرا رسید)، و تمام میوه‌های آن نابود شد؛ و او بخاطر هزینه‌هایی که در آن صرف کرده بود، پیوسته دست‌های خود را به هم می‌زد - درحالی که تمام باغ بر داربست‌هایش فرو ریخته بود - و می‌گفت: «ای کاش کسی را همتای پروردگرم قرار نداده بودم!«]
- توبه، آیه ۱۲۷: وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللّٰهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ [و هنگامی که سوره‌ای نازل می‌شود، بعضی از آن‌ها (منافقان) به یکدیگر نگاه می‌کنند و می‌گویند: «آیا کسی شما را می‌بیند؟ (اگر از حضور پیامبر بیرون رویم، کسی متوجه ما نمی‌شود!)» سپس منصرف می‌شوند (و بیرون می‌روند)؛ خداوند دل‌هایشان را (از حق) منصرف ساخته؛ چرا که آن‌ها، گروهی هستند که نمی‌فهمند (و بی‌دانشند)!]

¹ Allport

• قلم، آیه ۴۳: خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ [این در حالی است که چشم‌هایشان به زیر افتاده، و ذلت و خواری و جودشان را فرا گرفته؛ آن‌ها پیش از این دعوت به سجود می‌شدند درحالی‌که سالم بودند (ولی امروز دیگر توانایی آن را ندارند)!]

• غاشیه، آیه ۲: وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ [چهره‌هایی در آن روز خاشع و ذلت‌بارند].
 • طه، آیه ۱۰۸: يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا [در آن روز، همه از دعوت‌کننده الهی پیروی نموده، و قدرت بر مخالفت او نخواهند داشت (و همگی از قبرها برمی‌خیزند)؛ و همه صداهای در برابر (عظمت) خداوند رحمان، خاضع می‌شود؛ و جز صدای آهسته چیزی نمی‌شنوی!]
 • اسراء، آیه ۳۷: وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا [و روی زمین، با تکبر راه مرو! تو نمی‌توانی زمین را بشکافی، و طول قامتت هرگز به کوه‌ها نمی‌رسد!]

• لقمان، آیه ۱۸: وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ [پسرم!] با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.]

• نوح، آیه ۷: وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا وَاسْتَكْبَرُوا [و من هر زمان آن‌ها را دعوت کردم که (ایمان بیاورند و) تو آن‌ها را بیامرزی، انگشتان خویش را در گوش‌هایشان قرار داده و لباس‌هایشان را بر خود پیچیدند، و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدت استکبار کردند!]

جدول (۷): رمزگذاری، منشأ و کاربرد نمود احساسات دیگر

سوره و آیه	رفتار غیرکلامی	نوع احساس	رمزگذاری	منشأ	کاربرد (در ارتباط با کلام)
فرقان، ۲۷	گاز گرفتن دست	حسرت	ذاتی	تجربی	تکمیل
کهف، ۴۲	زدن دست‌ها برهم	حسرت	ذاتی	تجربی	تکمیل
قلم، ۴۳	به زیر انداختن نگاه	خواری	ذاتی	تجربی	جایگزین
غاشیه، ۲	چهره ذلت‌بار	خواری	ذاتی	طبیعی	جایگزین

توبه، ۱۲۷	نگاه به یکدیگر	نگرانی	ذاتی	تجربی	جایگزین
طه، ۱۰۸	صدای آهسته	خشوع	ذاتی	تجربی	تکرار
اسراء، ۳۷	راه رفتن متکبرانه	تکبر	ذاتی	تجربی	جایگزین
لقمان، ۱۸	روی گرداندن و راه رفتن متکبرانه	تکبر	ذاتی	تجربی	جایگزین
نوح، ۷	انگشت در گوش کردن و کشیدن لباس بر سر	غرور و تعصب	ذاتی	تجربی	جایگزین

۵. نتیجه‌گیری

مطالعه پیام‌ها و نشانه‌هایی که به وسیله بدن تولید می‌شوند یکی از اهداف نشانه‌شناسی است. نمود هر گونه پیام یا واقعه ارتباطی بدون استفاده از کلمات، ارتباط غیرکلامی است. ارتباطات غیرکلامی تمامی جنبه‌های ارتباط را در بر می‌گیرند. رفتار غیرکلامی پدیده‌ای واحد با یک کاربرد، یک منشأ و یک نوع رمزگذاری نیست. از طرف دیگر، حرکات بدن و صورت تعدادی از انواع متفاوت رفتارها را شامل می‌شود که می‌توان آن‌ها را در قالب پنج گروه متمایز از هم توصیف کرد که وابسته به «کاربرد»، «منشأ» و «رمزگذاری» هستند. رفتارهای غیرکلامی را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد که یکی از آن‌ها نمودهای احساس است.

در این مقاله تنها به بررسی یک دسته از رفتارهای غیرکلامی یعنی نمودهای احساس پرداخته شد. این نمودها تحت عنوان‌های شادی، تعجب، ترس، ناراحتی، عصبانیت و دیگر احساسات تقسیم‌بندی شدند و با توجه به رمزگذاری، منشأ و کاربرد، آیه‌های حاوی آن‌ها استخراج و مورد تحلیل قرار گرفتند. در قرآن نمونه‌ای از نمود احساس علاقه و نفرت یافت نشد. در بررسی آیات قرآنی با ۳۲ مورد از رفتارهای غیرکلامی که به نمودهای احساس پرداخته‌اند مواجه شدیم. رمزگذاری تمام این ۳۲ مورد از نوع ذاتی بوده‌اند. ۲۱ مورد از رفتارهای غیرکلامی منشأ طبیعی و ۱۱ مورد منشأ تجربی داشتند. ۲۲ مورد از آن‌ها کاربردشان در ارتباط با کلام از نوع «جایگزین»، ۸ مورد از نوع «تکمیل» و ۲ مورد از نوع «تکرار» بود. در این آیات، بیشترین عضو بدن که احساسات را منتقل می‌نمود چشم‌ها بودند که در ۱۳ آیه از ۳۲ آیه مشاهده شد، و دومین عضو بدن حالت چهره به طور کلی بود

که در ۹ آیه مشاهده شد. استفاده از دست‌ها برای بیان و نمود احساسات، که گاه در ارتباط با صورت، گوش و یا دهان استفاده شده بود، در ۷ مورد مشاهده شد. همچنین، ۲ مورد از آیات به وسیله راه رفتن و ۱ مورد نیز با استفاده از صدا به نمود احساسات پرداخته‌اند.

منابع

بولتون، ر. (۱۳۸۰). مهارت‌های ارتباطی، ترجمه منصور شاه ولی، شیراز: دانشگاه شیراز، چاپ اول. توکلی، علی (۱۳۷۴). نشانه‌شناسی و ارتباط غیرزبانی. دانشگاه فرودسی مشهد. مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

حاجتی جولندان، سمیه و رضی، احمد (۱۳۸۹). «رمزگشایی از رفتارهای غیرکلامی در داستان روی ماه خداوند را ببوس». نخستین همایش ملی ادبیات فارسی و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، دانشگاه بیرجند، ایران.

حاجتی جولندان، سمیه (۱۳۹۱). ارتباطات غیرکلامی در آثار داستانی مصطفی مستور. دانشگاه گیلان. گیلان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

طباطبایی، م. ح. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع). وود، ج. (۱۳۷۹). ارتباطات میان‌فردی روان‌شناسی تعامل اجتماعی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: مهتاب، چاپ اول.

هوشمند، صمد (۱۳۶۲). گرایشی آموزشی به بررسی مقابله‌ای حرکات غیرزبانی فارسی و انگلیسی. دانشگاه تربیت مدرس. تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

Allport, G. (1979). *The Nature of Prejudice*. New York: Perseus Books Publishing.
Arar, M. (2005). Body-language in the Qur'an: An overview with selected examples. *Journal of Qur'anic Studies*. Vol. 10, 168-201.

Calero, H. H. (2005). *The power of Nonverbal Communication: How You Act Is More Important Than What You Say*. Los Angeles, CA: Silver Lake Publishing.

Danesi, Marcel (2004). *Messages, Signs, and Meaning: A Basic Textbook in Semiotics and Communication Theory*. Toronto: Canadian Scholars Press; 3rd edition.

Darwin, C. R. (1872). *The Expression of the Emotions in Man and Animals*. London: John Murray.

- Efron, D. (1968). *Gesture and Environment*. New York: Kings Crown.
- Ekman, P. (2004). *Emotions Revealed: Recognizing Faces and Feelings to Improve Communication and Emotional Life*. New York: Henry Holt.
- Ekman, P. and Friesen, W. (1969). The repertoire of nonverbal behavior: categories, origins, usage, and coding. *Semiotica*, 1, 49-98
- Ekman, P., Friesen, W. V., and Tomkins, S. S. (1971). Facial affect scoring technique: a first validity study. *Semiotica*, 3, 37-58.
- Ford, M. H. (2010). *Body Language: And Behavioral Profiling*. Bloomington, IN: AuthorHouse.
- Izard, C. E. (1991). *The Psychology of Emotions*. Springer, New York.
- Jamil Abdel Ghani Rabaia, O. (2010). *Body Language in the Holy Quran*. An-Najah University, Nablus, MA Dissertation.
- Knapp, M. L. and Hall, J. A. (2010). *Nonverbal Communication in Human Interaction*. Boston, MA: Cengage Learning.
- Macmillan Online Dictionary (2013). www.macmillandictionary.com. Macmillan publishers.
- Noth Winfried (1995). *The Handbook of Semiotics*. Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
- Pease, A. (1984). *Body Language: How to Read Others' Thoughts by Their Gestures*. London: Sheldon Press.
- Pease, B. and Pease, A. (2004). *The Definitive Book of Body Language*. New York: Bantam Books.
- Sebeok, T. A. (2001). *An Introduction to Semiotics*. Toronto: University of Toronto Press.
- Tomkins, S. S. (1962). *Affect, Imagery, Consciousness, (Vol 1. The Positive Affects)*. New York: Springer.
- Tomkins, S. S. (1963). *Affect, Imagery, Consciousness, (Vol 2. The Negative Affects)*. New York: Springer.
- Tomkins, S. S. and McCarter, R. (1964). What and where are the primary affects? Some evidence for a theory. *Perceptual and Motor Skills*, 18(1), 119-158.